info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۶۵۹
دوشنبه / ۱۴ آذر / ۱۴۰۳
۳۰ / جمادی الاولی / ۱۴۴۶
02 / December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد: ساداس ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

کدام آهن‌دلش آموخت این آیین عیّاری
کز اول چون برون آمد ره شب‌زنده‌داران زد
خیالِ شهسواری پخت و شد ناگه دل مسکین
خداوندا نگه دارش که بر قلبِ سواران زد

خواندنی

پرده از عیب کسان برداشتن نبود هنر
گر نیاری پاک شستن عیبشان باری بپوش
جامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۹	۰۶:۵۹	۱۱:۵۷	۱۶:۵۲	۱۷:۱۲

برگه

یک نفر امروز زیر سایه نشسته زیرا یک نفر مدت‌ها قبل درختی کاشته است...

وارن بافت

گزارش روز

دست از پا درازتر

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، قهر سفیر آلمان تمام شد و این دیپلمات در سایه درختان خیابان فردوسی به محل کارش بازگشت است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، قهر سفیر آلمان تمام شد و این دیپلمات در سایه درختان خیابان فردوسی به محل کارش بازگشت است. مارکوس پوتسل که پس از شنیدن خبر اعدام جمشید شارمهد، سرکرده گروهک تروریستی، به نشانه اعتراض ایران را ترک کرده بود در روزهای اخیر به ایران بازگشته تا پس از سه دهه یک سیاست اشتباه و یک شرمندگی دیگر برای آلمان رقم بزند. ۲۷ سال قبل هم مشابه این اتفاق رخ داده بود و زمانی که اعضای حزب دموکرات کردستان در برلین در یک رستوران به نام «میکونوس» دور هم جمع شده بودند افرادی به این رستوران حمله کرده و تعدادی از افراد حاضر در رستوران را به قتل رساندند. بلافاصله پس از این ماجرا دادگاهی در آلمان برگزار شد و بدون هیچ مدرک و مستندی، ایران مسئول این حمله شناخته شد. کشورهای اروپایی از جمله آلمان سرلوسیه سفرای خود را از ایران فراخواندند و پس از هفته‌ها مجبور شدند آنها را به تهران برگردانند.

ماجرای میکونوس و اعدام شارمهد، هر دو نشان‌دهنده یک الگوی تکراری در سیاست‌های آلمان‌اند. سیاست‌هایی که نه بر اساس واقعیات میدانی، بلکه تحت تأثیر فشارهای داخلی و بازی‌های بین‌المللی اتخاذ می‌شوند و معمولاً نتیجه‌ای جز شرمندگی دیپلماتیک به همراه ندارند.

آلمان، به‌جای تلاش برای جلب حمایت اپوزیسیون ایرانی یا سیاست‌های نمایشی، می‌توانست از تاریخ درس بگیرد و به جای تقابل غیرسازنده، بر تقویت روابط خود با ایران تمرکز کند. این سیاست‌های نمادین، همان‌طور که در ماجرای میکونوس به شکست انجامید، در ماجرای شارمهد هم به دیوار سفت حقیقت برخورد کرد و در تاریخ ثبت شد.

در عزای فوت یک تروریست

اوایل آبان دادستانی تهران در اطلاعیه خود اعلام کرد جمشید شارمهد، پس از سال‌ها «شرارت و جنایت‌های گروهک مزدور و تروریستی تندر» علیه مردم ایران در نهایت با حکم دادگاه صالح محکوم و در تاریخ ۷ آبان ۱۴۰۳ به سزای اعمالش رسید.

موضوعی که واکنش‌های تندی از سوی کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان به همراه داشت و این کشور که شارمهد را یک شهروند دو تابعیتی می‌دانست، نهایتاً سفیرش را از ایران فراخواند. ۱۵ آبان ماه اما اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه، در جمع خبرنگاران به تشریح پرونده جمشید شارمهد، متهم به اقدامات تروریستی، پرداخت. او تأکید کرد که دستگاه قضایی ایران نهادی مستقل است و هیچ کشور خارجی حق دخالت در امور قضایی کشور را ندارد. به گفته سخنگوی قوه قضاییه، پرونده این متهم پس از طی روند قضایی کامل، به صدور حکم اعدام منجر شده. جهانگیر اعلام کرد حکم اعدام شارمهد نهایی شده بود و در مرحله اجرا قرار داشت. اما پیش از اجرای حکم، این فرد «فوت» کرد. بلافاصله پس از این اتفاق «لولاف شولتس» صدراعظم آلمان طی پیامی در شبکه ایکس اعدام سرکرده گروهک تروریستی تندر را رسوایی معرفی کرده و آن را محکوم کرد. «انالنا بئربوک» وزیر امور خارجه آلمان نیز در پیامی تهدیدآمیز نوشت «ما بارها به تهران تأکید کرده بودیم که اعدام یک «شهروند آلمانی» برای ایران، تبعات جدی خواهد داشت. حدود یکماه از این حرف‌ها گذشت و در روزهای اخیر سفیر این کشور چراغ‌خاموش وارد دفتر کارش شد. ماجرایی که باعث شد تکرار یک شکست سیاسی برای آلمان تلقی شود.

تکرار میکونوس در قالب جمشید

۳۰ سال پیش، در شهریور ۱۳۷۱، حادثه‌ای در رستورانی کوچک در برلین به نام میکونوس رخ داد که برای سال‌ها به یکی از جنجالی‌ترین موضوعات سیاسی و دیپلماتیک ایران و غرب تبدیل شد. این اتفاق که با ترور چند عضو «حزب منحله دموکرات کردستان ایران» همراه بود، زمینه‌ساز تنش‌های گسترده بین ایران و اروپا شد. ماجرا از این قرار بود که شب ۲۶ شهریور ۱۳۷۱، اعضای «حزب دموکرات کردستان ایران»، از جمله صادق شرفکندی، دبیرکل این حزب، در رستورانی در برلین دور هم جمع شده بودند. هدف جلسه، دیدارهای غیررسمی و گفتوگوهای محرمانه با برخی چهره‌های اپوزیسیون ایران بود. این رستوران، به ملکیت یک ایرانی به نام عزیز غفاری، مدت‌ها محل تجمع مخالفان جمهوری اسلامی شده بود. در ساعت ۱۰:۵۰ شب سه مرد نقاب‌دار مسلح وارد رستوران شدند. یکی از آنها در ورودی ایستاد، دیگری در بخش جلویی رستوران، و نفر سوم با مسلسل به سمت محل نشست تبعیدارای کرد، در نتیجه این حمله، صادق شرفکندی، همایون اردلان، فتاح عبدلی و نوری دهکردی کشته شدند. عزیز غفاری هم زخمی شد و چند نفر دیگر جان سالم به در بردند. نکته جالب توجه ماجرا این بود که برخی از کشته‌شدگان با اسامی و پاسپورت جعلی وارد آلمان شده بودند و دولت آلمان از این موضوع اطلاع داشت اما اقدامی نکرده بود.

پروژه انزوای ایران با میکونوس

پس از حادثه، دادگاه آلمان شروع به بررسی پرونده کرد. در این بین، رسانه‌های غربی و مقامات آلمانی ادعا کردند که ایران پشت این ترور بوده است. بدون ارائه هیچ مدرک محکمی، دادگاه آلمانی برخی مقامات ارشد ایران از جمله آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت و علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت را به صدور دستور این ترورها متهم کرد. کاظم دارابی، یک ایرانی مقیم آلمان که در فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی مرتبط با ایران نقش داشت، به همراه سه تبعه لبنانی به‌عنوان متهمان اصلی معرفی شدند. دادگاه در نهایت دارابی را به حبس ابد محکوم کرد و دو لبنانی دیگر به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شدند.

حادثه میکونوس، فراتر از یک پرونده جنایی ساده بود. پشت پرده این ماجرا، سیاست‌های کلان آمریکا و اروپا برای تحت فشار گذاشتن ایران قرار داشت. گزارش‌هایی که بعدها منتشر شد، نشان داد که دولت آلمان تحت فشار آمریکا و متحدانش، پرونده میکونوس را بهانه‌ای برای منزوی کردن ایران قرار داده بود.

روزنامه آلمانی «فرانکفورتر آلگماینه» فاش کرد که آمریکا از دولت آلمان خواسته بود از سیاست فشار علیه ایران حمایت کند. همچنین، در کنفرانس «شرم‌المپیک» در همان سال، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آمریکا از کشورهای اروپایی خواسته بودند روابط خود را با ایران قطع کنند.

۱۲ سفیر اروپایی از ایران رفتند

پس از پنج سال، در ۲۱ فروردین ۱۳۷۶، دادگاه میکونوس حکمی صادر کرد که ایران را به دست داشتن در ترورها متهم کرد. این حکم، با واکنش شدید ایران روبه‌رو شد. مقامات ایران، از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این اتهامات را قاویدار کردند. او در مصاحباتی با مجله آلمانی اشپیگل گفت: «ما با هر نوع تروریسم مخالفیم» رهبر انقلاب هم این ماجرا را نمایشی سیاسی خواندند و تأکید کردند که «ملت ایران» با این فشارها تسلیم نمی‌شود.

پس از صدور حکم، آلمان سفیر ایران را اخراج کرد و ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا نیز سفرای خود را از تهران فراخواندند. ایران در واکنش، چهار دیپلمات آلمانی را اخراج کرد و سفیر آلمان را برای مدتی راه نداد. این کشمکش دیپلماتیک برای مدتی روابط ایران و اروپا را به طور کامل قطع کرد. اما برخلاف انتظار غرب، ایران نه‌تنها تسلیم نشد بلکه با مواضع قاطع خود، در نهایت غرب را به عقب‌نشینی وادار کرد.

نتیجه حقیقی دادگاه میکونوس چه بود؟

این اتفاق اما بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج کشور داشت. در داخل ایران، مردم و مقامات یک‌صدا علیه این اتهامات موضع گرفتند. تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای مختلف برگزار شد و معترضان خواستار عذرخواهی دولت آلمان شدند.

در خارج از ایران، برخی سیاستمداران آلمانی نیز به شکست دولت آلمان در مدیریت این ماجرا اعتراف کردند. رسانه‌های غربی نیز اذعان کردند که دادگاه میکونوس نه‌تنها باعث انزوای ایران از هفته‌ها به دلیل ناتوانی در ادامه فشارها، سفرای خود را به تهران بازگرداندند، در ماجرای شارمهد نیز آلمان نشان داد که این سیاست‌ها شاید بتوانند در کوتاه‌مدت مایه دستاوردسازی شوند، اما در بلندمدت خروجی خاصی نخواهند داشت.

بزرگ‌ترین شکست غرب

پس از هفته‌ها قهر دیپلماتیک، کشورهای اروپایی یکی‌یکی پشیمان شدند و سفرای خود را به ایران بازگرداندند. این اقدام، اعترافی تلخ به شکست سیاست‌های غرب علیه ایران بود. رادیو لندن، بازگشت سفرای اروپایی را «بزرگ‌ترین شکست غرب» توصیف کرد و رسانه‌های صهیونیستی نیز اذعان کردند که ایران در این نبردسیاسی پیروز شده است. ماجرای میکونوس، نمونه‌ای از یک توطئه سیاسی علیه ایران بود که با هوشیاری و مواضع قاطع جمهوری اسلامی خنثی شد. این حادثه نشان داد ملت ایران در برابر فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود و می‌تواند در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کند.

اگرچه میکونوس در ابتدا در دسرهایی ایجاد کرد، اما در ادامه به ایران فرصتی داد تا سیاست‌های خصمانه غرب را افشا کند و در برابر توطئه‌های بین‌المللی موضعی مقتدرانه بگیرد.

آلمان در مسیر رضایت اپوزیسیون

در سال ۱۳۷۱، حادثه میکونوس فرصتی برای آلمان بود تا با بهره‌گیری از این اتفاق، به اپوزیسیون ایران، چراغ سبز نشان دهد. دادگاه آلمان که بعدها مشخص شد به شدت تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و برخی گروه‌های مخالف ایران بوده است، با متهم کردن ایران به حرکت آلمان به جای یک سیاست هوشمندانه، بیشتر شبیه به یک اشتباه بزرگ بود. دولت آلمان تحت فشار لابی‌های سیاسی، رسانه‌ای، و اتحاد کرد که نهایتاً به انزوای خود و تشدید تنش‌ها با ایران منجر شد. کشورهای اروپایی که به نشانه اعتراض دیپلمات‌های خود را از ایران خارج کرده بودند، سرانجام با شرمندگی، سفرای خود را به تهران بازگرداندند. این رسوایی نشان داد اروپا توان مقابله واقعی با ایران را ندارد و سیاست‌های نمایشی آنها صرفاً تزریق یک آرام‌بخش موقت به اپوزیسیون ایران است.

شرم و شکست مجدد

در هر دو ماجرا، آلمان به‌جای اتخاذ سیاستی مستقل و واقعی، تحت تأثیر فشارهای سیاسی داخلی و خارجی تصمیم گرفت. در ماجرای ترور، آلمان تلاش کرد با متهم کردن ایران، اپوزیسیون ایرانی را راضی کند و نقش «قهرمان حقوق بشر» را بازی کند. اما نتیجه، بازگشت دسته‌جمعی سفرای اروپایی به کارشان در ایران، تنش‌زایی در روابط دیپلماتیک و شکست سیاسی آنها بود. در ماجرای شارمهد نیز، اخراج سفیر ایران و فراخوانی سفیر خود از ایران، نه‌تنها کمکی به پرونده این متهم تروریستی نکرد، بلکه موجب شد آلمان به‌عنوان کشوری مداخله‌گر و متأثر از فشارهای سیاسی، خود را در مقابل ایران قرار دهد. همان‌طور که در ماجرای میکونوس، کشورهای اروپایی پس از هفته‌ها به دلیل ناتوانی در ادامه فشارها، سفرای خود را به تهران بازگرداندند، در ماجرای شارمهد نیز آلمان نشان داد که این سیاست‌ها شاید بتوانند در کوتاه‌مدت مایه دستاوردسازی شوند، اما در بلندمدت خروجی خاصی نخواهند داشت.

دیدگاه

آتش‌بس در لبنان و ۲ روایت برجسته

درباره آتش‌بس در لبنان جنگ روایت‌ها آغاز شده است. ۲ روایت برجسته‌تر به نظر می‌رسد از ۲ دیدگاه متفاوت و ۲ شیوه تفسیر متقابل!

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، درباره آتش‌بس در لبنان جنگ روایت‌ها آغاز شده است. دو روایت برجسته‌تر به نظر می‌رسد از دو دیدگاه متفاوت و دو شیوه تفسیر متقابل! روایت اول: حزب‌الله پیروز شد و در برابر ارتش اسراییل ایستادگی کرد. با ادبیاتی اندکی تند و البته به یاد ماندنی به قول شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله: «حزب‌الله افسار اسراییل را گرفت و کشید و او را به اصطبل باز گرداند!» روایت دوم: روایت نتانیاهو و طرفدارانش است که اسراییل به اهدافش رسیده است. منتها در این روایت در سخنان نتانیاهو و مصاحبه او در سخنرانی شب ۶ آذر به جزییات اهداف و تحقق آن اشاره‌ای نشده است. در واقع نتانیاهو سه دلیل را برای پذیرش آتش‌بس (در حقیقت پیشنهاد آتش‌بس از طرف آمریکا و فرانسه با توجه به اضطرار اسراییل) مطرح کرد:

۱- تهدید ایران

۲- نیاز ارتش به بازسازی و استراحت و تامین مهمات

۳- جدا کردن جنگ غزه از جنگ لبنان.

در این تفسیر نتانیاهو از تحقق اهداف جنگ در لبنان سخنی گفته نشده است. به روایت دوستان عرب از بالای درخت پایین آمده است! کدام روایت را می‌توانیم مدلل تلقی کنیم و بپذیریم؟

یکم: نتانیاهو، دولت او و ارتش اسراییل با مشخص کردن اهدافی جنگ ۶۶ روزه علیه لبنان را به حمله به مناطق جنوبی آغاز کردند. بنای ارتش اسراییل بر اشغال مناطقی از جنوب تا نهر لیطانی به ویژه شهرهایی که مرتفع بودند و نسبت به شمال فلسطین اشغالی در موقعیت نظامی برتر قرار داشتند، بوده است.

دوم: ارتش اسراییل درصدد نابود کردن حزب‌الله بود. این پروژه با عملیات پیجرها و بی‌سیم‌ها که تقریباً ۴ هزار نفر از عناصر نظامی و خدماتی حزب‌الله را از مدار خارج کرد. بمباران ضاحیه و به قتل رساندن سیدحسن نصرالله، هاشم صفی‌الدین و گروهی از فرماندهان نیروهای ویژه رضوان.

سوم: با بمباران سنگین جنوب لبنان، بقاع، بعلبک و ضاحیه و نهایتا با حمله زمینی و آماده کردن ۷ لشکر از جمله لشکر هفتم زرهی و نیروهای ویژه گولانی گمان می‌کردند به اهداف خود می‌رسند. اسراییل به هیچ یک از اهدافش نرسید نه حزب‌الله نابود شد، نه ارتش اسراییل توانست جلوی لبنان را تا نهر لیطانی اشغال کند و نیز نتوانست با اعمال فشار بر دولت لبنان و احزابی که زمینه نفوذپذیری از سوی امریکا، فرانسه و کشورهای عربی هوادار امریکا و اسراییل را داشته، وادارد دولت لبنان را تسلیم کند. در این صورت ارتش کلاسیک اسراییل با حمایت بی‌سابقه جهانی نتوانست به هیچ یک از اهدافش برسد. البته نتانیاهو می‌گوید حزب‌الله با سابق فرق کرده است! مگر اسراییل از هفتم اکتبر سال پیش تا به امروز فرق نکرده است؟!

ارتش اسراییل شکست خورده است این شکست توسط شخصیت‌های صهیونیست در سازمانده‌ی زرمی‌اش خود را بازسازی صراحت بیشتری مطرح شده است. یاییر لپید، نخست‌وزیر سابق اسراییل از آتش‌بس لبنان به عنوان «بزرگ‌ترین فاجعه عصر نتانیاهو» سخن گفته است. لیبرمان به نتانیاهو متلک گفته که: «مگر تنگه‌ی تایبر روزی مطلق جنگ را اعلام می‌شد؟» اما تنگه‌ی کدام طرف به پیروزی مطلق می‌رسد!» نمونه‌ها بسیار است که نشان می‌دهد نتانیاهو روزگاری خوش و احوال پیروزی ندارد. قیاف‌ناش هم به پیروزی نمی‌زند. در جهان واقع با سر به «دیوار بولادین مقاومت در جنوب لبنان خورده است.

اما حزب‌الله در حقیقت در موقعیت دفاع و مقاومت بود. مقاومت حسته‌ای پارتیزانی در برابر ارتش کلاسیک به تعبیر فرمانده لشکر هفتم ارتش اسراییل مجاهدان حزب‌الله مانند اشباح بودند. ارتش اسراییل نمی‌دانست این اشباح کی و از کجا پدیدار می‌شوند و کی و در کجا ناپدید می‌شوند. در واقع مقاومت نبرد متحرک ناآشنایی را سازمان داده بود. حملات موشکی حزب‌الله هم در روز و شب یکشنبه ۴ آذرماه به اوج خود رسید. تل‌آویو مشوکباران شد. گنبد آهنین و قلاخن داود بی‌فایده و بیهوده بود. می‌توان گفت حزب‌الله در سازماندهی رزمی‌اش خود را بازسازی کرد و امکان پیروزی به ارتش اسراییل نداد. یعنی حزب‌الله همان گونه که در جنگ ۳۳ روزه تابستان ۲۰۰۶ پیروز شد، در جنگ ۶۶ روزه پاییز ۲۰۲۴ نیز به پیروزی رسید. یعنی اسراییل را در تحقق اهدافش شکست داد.

سیدعطاءالله مهاجرانی

مکث

در زمستان پناه حیوانات بی‌پناه نباشیم!

حیوانات بی‌سرپناهی هستند که نمی‌دانیم باید به آن‌ها غذا بدهیم یا خیر، در پارک، کوچه و خیابان، گربه‌ها یا سگ‌هایی را می‌بینیم که روی بدنشان را برف پوشانده یا از شدت سرما در خود کز کرده‌اند و یک گوشه پناه گرفته‌اند، باید بین این حیوانات مظلوم و زیبا دلمان به رحم می‌آید و احساس می‌کنیم برای حفظ انسانیت باید حتما به این جانداران مظلوم کمک‌رسانی کنیم آن هم با یک روش ساده مثل غذا دادن به آن‌ها اما باید این را بدانیم که این کار شدنی‌ترین کاری است که با آن‌ها می‌کنیم و دوراقع چرخه زیست این جانوران را با انجام این کار معیوب می‌کنیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همدلی، دیگر هوا رو به سرد شدن می‌رود. هوایی که پس از مدت‌ها کم و بیش بارش برف را تجربه کرده است. اما در این میان یک نکته‌ای که هست و ما با آن مواجهیم، حیوانات بی‌سرپناهی هستند که نمی‌دانیم باید به آن‌ها غذا بدهیم یا خیر، در پارک، کوچه و خیابان، گربه‌ها یا سگ‌هایی را می‌بینیم که روی بدنشان را برف پوشانده یا از شدت سرما در خود کز کرده‌اند و یک گوشه پناه گرفته‌اند باید بین این حیوانات مظلوم و زیبا دلمان به رحم می‌آید و احساس می‌کنیم برای حفظ انسانیت باید حتما به این جانداران مظلوم کمک‌رسانی کنیم آن هم با یک روش ساده مثل غذا دادن به آن‌ها اما باید این را بدانیم که این کار شدنی‌ترین کاری است که با آن‌ها می‌کنیم و دوراقع چرخه زیست این جانوران را با انجام این کار معیوب می‌کنیم.

البته یک نکته‌ای وجود دارد در روزهای سرد پاییز و زمستان زندگی بسیاری از حیوانات و به ویژه حیواتی که در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند دچار تغییراتی می‌شود که با رعایت نکاتی ساده که بارها توسط حامیان محیط زیست و دوستداران حیوانات بیان شده است می‌توانیم در گذراندن این روزها کمک حال آن‌ها باشیم.

همچنین اگر پرنده‌ای که از شدت سرمایی حال شده است را به مکانی گرم منتقل کنیم احتمال اینکه این پرنده زندگی دوباره‌ای بگیرد زیاد است.

برای اینکه متوجه شویم که غذا دادن به حیوانات کار درستی است یا خیر، همدلی به گفت‌وگو با عباس محمدی کارشناس محیط‌زیست پرداخت که در ادامه می‌خوانیم.

عباس محمدی در ابتدا حیوانات را به دو دسته تقسیم کرد و گفت: «ما حیواناتمان را به دو دسته تقسیم می‌کنیم حیوانات خیابانی و آن‌هایی که دست‌آموز هستند و حیواناتی هستند که زیست طبیعی دارند مثل کل و قوچ‌هایی که در پارک‌های جنگلی زندگی می‌کنند اگر به طور کلی بخواهیم بگوییم، غذا رسانی به حیوانات کار لشبه است، ما این کار را روی دلسوزی انجام می‌دهیم اما در واقع به آن‌ها ظلم می‌کنیم؛ چون چرخه طبیعی حیوانات را مختل می‌کنیم.»

او درباره وجود حیوانات دست‌آموز توضیح می‌دهد: «اگر بخواهیم که حیوانات دست‌آموز را شده در شهر نگاه کنیم، لساما این پرسش ایجاد می‌شود که ما چرا باید این حیوانات را شده را در سطح شهر داشته باشیم، ما نباید در محیط‌های مسکونی سگ داشته باشیم و بعد آن را رها کنیم این مسئله ناشی از بی‌مسئولیتی آدم‌هاست. این حیوانات باید جمع‌آوری شوند و سازماندهی شوند.»

او درباره اینکه در حال حاضر این سازماندهی وجود ندارد درباره مراقبت از حیوانات و تامین امنیت آن‌ها می‌گوید: «اما اگر بخواهیم به این کار، یعنی غذا دادن بی‌رویه به حیوانات ادامه دهیم، چرخه زیست آن‌ها را معیوب می‌کنیم و کاری می‌کنیم که مرتبا تعداد این حیوانات ولگرد افزایش پیدا می‌کند و بعدا این وجود حیوانات ولگرد تبدیل به معضل می‌شود، آن چیزی که ما به آن می‌گوییم حیوان دوستی، تعاریفی است که ما برای خودمان ایجاد کردیم اما نظام طبیعت اینگونه نیست طبیعت زمستان‌ها حتی خشک‌سالی‌ها برای این وجود دارد که جمعیت حیوانات به یک تعادل برسد — در همین زمستان سرد که از آن صحبت می‌کنیم باید وضعیت به شکلی پیش رود که حیواناتی که ضعیف‌تر هستند یا می‌میرند یا طعمه حیوانات دیگر می‌شود. درباره پرنده‌ها هم این مسئله صادق است تمام جانداران ضعیف از بین می‌روند و باقی نسل به بقای خود ادامه می‌دهند.»

محمدی ادامه می‌دهد: «سیستم طبیعت هم برای حیوانات، هم برای انسان‌ها و کلا برای چرخه طبیعت به نحوی است که آن‌ها جانداران قدرتمند باقی می‌مانند و موجودات ضعیف‌تر از بین می‌روند.»

او در پاسخ به این سوال که اگر در این شرایط حیوانی را گوشه خیابان دادیم به آن کمک کنیم یا خیر توضیح می‌دهد: «چرا این کار را باید انجام دهیم؟ اگر حیوانی را گوشه خیابان دیدیم و امکانش را داشتیم باید آن‌ها را به انجمن‌هایی که داوطلب نگهداری از این حیوانات هستند بسپاریم که برخی از آن‌ها هم هزینه می‌گیرند اما این کار لزوم دارد.»

این کارشناس در پاسخ به این سوال که آیا این انجمن‌ها باز هم چرخه را معیوب می‌کند یا خیر توضیح می‌دهد: «اگر این انجمن‌ها کار اصولی انجام دهند اتفاق ناخوشایندی رخ نخواهد داد. درباره این موضوعات به کشورهای اروپایی مراجعه کنیم در این کشورهای پیشرفته سگ و گربه ولگرد در خیابان نمی‌بینیم همه آن‌ها شناسنامه دارند و حتی به تازگی ردیابی‌هایی را زیر پوست حیوانات می‌گذارند تا گم نشوند و اگر حیوان ولگردی در کوچه و خیابان باشد از آن محافظت می‌کنند و بعد از مدتی آن را معدوم می‌کنند و هیچ راهی بهتر از این مسئله نیست.»

همچنین فعالان و کارشناسان محیط‌زیست همواره از مردم خواسته‌اند تا در روزهای سرد از آوردن گربه‌ها یا سگ‌های شهری به داخل منازل خودداری کنند زیرا این جانوران به محیط‌های شهری که سال‌هاست در آن زندگی می‌کنند عادت کرده‌اند و خانگی کردن گربه‌های شهری حتی برای مدت کوتاهی باعث می‌شود آن‌ها دیگر توان زندگی در شهر را نداشته باشند. درحقیقت خانگی کردن سگ‌ها و گربه‌های شهری به همان اندازه بد است که آوردن حیوانات اهلی به باغ وحش!

این کارشناس در پایان می‌گوید: «نهایتا اگر خیلی نگران حیوانات علی‌الخصوص پرنده‌ها هستیم، بهتر این است که در تابستان و زمستان یک کاسه آب برای آن‌ها کنار بگذاریم تا بتوانند خودشان را سیراب نگه دارند.»

برش

مطالعه جدید دانشمندان: دوستان صمیمی حتی با کتری روده مشابهی دارند

شباهت بین شما و دوستتان می‌تواند از خصوصیات اخلاقی و شخصیتی باشد. براساس مطالعه‌ای جدید این شباهت می‌تواند به کتری‌های پوشاننده روده ربط داشته باشد.

به گزارش پیام آشنا نقل از دیجیاتو، در مطالعه‌ای که در مجله «Nature» منتشر شده است، رابطه بین ساختار شبکه‌های اجتماعی افراد و ترکیب میکروبیوم آن‌ها - باکتری‌ها و سایر میکروارگانیسم‌هایی که در دستگاه گوارش افراد زندگی می‌کنند - بررسی شده است.

در این مطالعه، پژوهشگران نقشه‌برداری جامع از شبکه‌های اجتماعی ۱,۷۸۷ بزرگسال ساکن در ۱۸ روستای ایزوله در هندوراس را با داده‌های دقیق میکروبیوم هر شرکت‌کننده ترکیب کردند. این پایگاه داده وسیع شامل ۳,۵۶۳ گونه میکروبی و ۳۳۹,۱۲۷ سویه مختلف - وابست های ژنتیکی نزدیک به هم از یک گونه که ویژگی‌هایی مشترک دارند اما در سایر اعضای همان گونه یافت نمی‌شوند - می‌شد. آن‌ها دریافتند که افرادی که از طریق قوام مختلف رابطه - از جمله ارتباطات غیر خانوادگی و خارج از یک خانه مشترک - به یکدیگر متصل هستند، شباهت‌هایی در میکروبیوم خود نشان می‌دهند که فراتر از آن چیزی است که می‌توان به شانس نسبت داد.

«فرانچسکو بگینی»، یکی از نویسندگان اصلی و پژوهشگر پسادکترای در آزمایشگاه تحقیقات انسانی دانشگاه‌ایلی می‌گوید:

«ما شواهد قابل توجهی از به اشتراک‌گذاری میکروبیوم میان افرادی که نه خانواده هستند و نه با یکدیگر زندگی می‌کنند پیدا کردیم، حتی پس از در نظر گرفتن عواملی مانند رژیم غذایی، منابع آب و داروها».

او همچنین اضافه می‌کند که: «در واقع، به اشتراک‌گذاری میکروبیوم قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده روابط اجتماعی افراد در روستاهایی بود که مطالعه کردیم، فراتر از ویژگی‌هایی مانند قومیت، مذهب یا تحصیلات.»

بیشترین میزان به اشتراک‌گذاری میکروبی در میان همسران و افرادی مشاهده شد که در یک خانه زندگی می‌کردند، ولی پژوهشگران نرخ بالاتری از اشتراک‌گذاری را در میان سایر ارتباطات، از جمله دوستان یا حتی روابط اجتماعی درجه دوم (مانند دوستان دوستان) نیز ثبت کردند.

قزون بر این، افرادی که در مرکز این شبکه‌های اجتماعی قرار داشتند، به نسبت به افرادی که در حاشیه شبکه‌های اجتماعی قرار داشتند شباهت بیشتری به سایر اهالی روستا داشتند. که این یافته با جریان اجتماعی میکروبها در امتداد ارتباطات شبکه‌ای در داخل روستاها همخوانی داشت.

تعداد دفعاتی که افراد با یکدیگر ملاقات می‌کردند، از جمله اینکه چند بار با هم غذا می‌خوردند یا چگونه با یکدیگر احوالپرسی می‌کنند - چه با دست دادن، چه بغل کردن یا بوسیدن - نیز با افزایش به اشتراک‌گذاری میکروبی یا باکتری روده مرتبط بود.

همزمان، پژوهشگران مشاهده کردند که میزان به اشتراک‌گذاری میکروبی میان افرادی که در یک روستا زندگی می‌کردند اما رابطه اجتماعی با یکدیگر نداشتند، کمتر بود. این میزان در میان افرادی که در روستاهای جداگانه زندگی می‌کردند، حتی از این هم کمتر بود.

دو سال پس از جمع‌آوری اولیه داده‌ها، پژوهشگران میکروبیوم گروهی از ۳۰۱ شرکت‌کننده از چهار روستا را دوباره غنادار گیری کردند. آن‌ها در یافتند که در این گروه، افرادی که ارتباط اجتماعی داشتند، از نظر میکروبی شباهت بیشتری پیدا کردند و بعد نسبت به افرادی که با یکدیگر ارتباط اجتماعی نداشتند.

پژوهشگران همچنین کشف کردند که شوخ‌طبعی از گونه‌ها و سویه‌های میکروبی در گروه‌های افراد در داخل روستاها شکل می‌گیرند، به این معنا که شبکه‌های اجتماعی محیط‌هایی ایجاد می‌کنند که در آن افراد میکروبیوم‌های مشابهی با یکدیگر توسعه می‌دهند.

«جکسون پولمن»، یکی از نویسندگان اصلی و فارغ‌التحصیل سال ۲۰۲۳ کالج ییل، که در زمان انجام این مطالعه دستیار پژوهشی در آزمایشگاه طبیعت انسانی ییل بود، می‌گوید:

«فکر کنید که چگونه محیط‌های اجتماعی مختلف در مکانی مانند ییل شکل می‌گیرند. شما گروه‌های دوستانه‌ای دارید که بر اساس چیزهایی مانند تئاتر، فلسفه‌ی یا تحصیل در رشته فیزیک شکل می‌گیرند. مطالعه ما نشان می‌دهد که افراد این گروه‌ها ممکن است به روش‌هایی که قبلاً هرگز تصور نمی‌کردیم، حتی از طریق میکروبیوم‌هایشان، به یکدیگر مرتبط باشند.»

پژوهشگران می‌گویند این یافته‌ها پیامدهایی هم مثبت و هم منفی به همراه دارند. به‌عنوان مثال، این نتایج نشان می‌دهند که برخی بیماری‌ها یا شرایط مرتبط با میکروبیوم ممکن است بیش از آنچه قبلاً تصور می‌شد، قابل انتقال باشند. اما از سوی دیگر، این یافته‌ها نشان می‌دهند که مزایای مرتبط با داشتن یک میکروبیوم سالم‌تر از طریق شبکه‌های اجتماعی قابل انتقال است.

پولمن، که اکنون مدیریت یک استارتاپ هوش مصنوعی در حوزه‌ی فناوری سلامت را بر عهده دارد، می‌گوید:

«آنچه بسیار شگفت‌انگیز است این است که ما این قدر به هم متصل هستیم که باکتری روده مشابهی داشته باشیم. این ارتباطات فراتر از سطح اجتماعی، به سطح میکروبی نیز گسترش می‌یابد.»

«هیکولاس کریستاکیس» نویسنده ارشد، استاد علوم اجتماعی و طبیعی در دانشگاه ییل و مدیر آزمایشگاه طبیعت انسان که پژوهشگر اصلی این پروژه بوده است، می‌گوید:

«آزمایشگاه من از گشتن این مقاله بسیار خوشحال است، زیرا این مطالعه بازتاب‌دهنده پیگیری ایده‌ای است که در سال ۲۰۰۷ مطرح کردیم، یعنی اینکه دیدمحیایی مانند چاقی مانند است که تنها از طریق سرایت اجتماعی، بلکه از طریق سرایت زیستی نیز گسترش یابند. شاید از طریق باکتری‌های معمولی که در روده انسان زندگی می‌کنند.»

دیگر نویسندگان همکار این پژوهش از دانشگاه ییل، دانشگاه جفرز هایکینز، دانشگاه کرنل، موسسه «Soluciones para Estudios de la Salud» در هندوراس و دانشگاه تمپل هستند.

ازگروه تروریستی هیئت تحریرالشام چه می‌دانیم؟

طی دو روز گذشته و پس از آتش‌بس در لبنان، حملات غافلگیرانه گروه تروریستی هیئت تحریرالشام به سوریه، باعث درگیری‌های گسترده‌ای تا شهر حلب شده است.

تاریخ شکل‌گیری: ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷

هیئت تحریرالشام (HTS)

پیشینه: ادغام چندین گروه از جمله جبهه فتح‌الشام (جبهه‌النصره سابق)

تاریخچه

۲۰۱۲ تاسیس جبهه‌النصره به عنوان شاخه‌ای از القاعده

۲۰۱۶ قطع روابط با القاعده و تغییر نام به جبهه فتح‌الشام

۲۰۱۷ ادغام با گروه‌هایی مانند جیش الاحرار، جیش السنه و تشکیل HTS

سرکرده

ابومحمد الجولانی

- یکی از سرکرده‌های برجسته گروه‌های تروریستی در سوریه
- هدایت کننده جبهه‌النصره پیش از تاسیس هیئت تحریرالشام

مناطق تحت کنترل

استان ادلب

بخش‌هایی از استان‌های حلب و حما

شامل بخش‌های قابل توجهی از مناطق شمال غربی سوریه

وضعیت بین‌المللی

قرار گرفتن در لیست گ